

تحلیل مضمون شیوه برخورد با لغزش کارگزار در «نهج البلاغه»

زهرا صرفی (استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات الزهراء تهران)

sarfi@alzahra.ac.ir

زینب پورکاویان (دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء تهران - نویسنده مسئول)

Poorkavian73@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷)

چکیده

نفی فساد و مبارزه با آن، لازمه تحقق عدالت است. حکومت علوی، مظہر حکومت عدلی است که در آن، جایی برای مسامحه در برابر لغزش و فساد وجود ندارد. امیر المؤمنین علی بن ابی طالب^{علیہ السلام} در مقام رهبر جامعه اسلامی، بر رعایت عدالت در کارگزاران خود نظرارت داشت و در برابر لغزش آن‌ها بی‌تفاوت نبود. ایشان در ابتدا با درنظر گرفتن تدبیری، از خطأ و فساد کارگزار پیشگیری می‌کرد؛ اما در صورت ارتکاب خطأ و لغزش، با وی برخورد می‌کرد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با تحلیل مضمون نامه‌های «نهج البلاغه» خطاب به کارگزاران، به بررسی شیوه برخورد آن حضرت با کارگزارانی که از مسیر عدالت می‌لغزیدند، پپردازد. بر این اساس، مضمون فرآگیر شیوه برخورد با لغزش کارگزار در بخش نامه‌های «نهج البلاغه»، از سه مضمون سازمان‌دهنده: اعتراض، ارشاد و عاقبت سوء تشکیل شده است که هر یک، از مضمون‌پایه برخوردارند، از جمله: امر به تقوا و آخرت‌گرایی؛ بیان وظیفه و مسئولیت؛ خسaran اُخروی و دنیوی.

کلیدواژه‌ها: عدالت، کارگزاران، برخورد با لغزش، اعتراض، ارشاد.

۱ - مقدمه

قرآن کریم در موضع متعدد، از جمله در آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوْنُوا قَوَامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاء لِلَّهِ﴾

وَلَوْ عَلَى أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللّٰهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَنْتَهُوا إِلَيْهِمْ أَنْ تَعْذِلُوا وَإِنْ تَلُوْا أَوْ تُغْرِضُوا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.^۱ (نساء: ۱۳۵) اهل ایمان را از لغزش از مسیر عدالت باز داشته و ایشان را به اقامه قسط دعوت کرده است. پیامبر خاتم النبیین و ائمه معمصوم علیهم السلام نیز - که مفسران واقعی قرآن کریم هستند، بلکه خود تجسم قرآن‌اند - همواره بر مسیر عدالت حرکت کرده‌اند و به اصحاب خویش نسبت به هر گونه لغزش از عدالت و حرکت در مسیر ظلم و تعدی و فساد هشدار داده‌اند. چنانچه پیامبر گرامی اسلام علیهم السلام فرمود: «من عامل الناس فَلَم يظالمُهُمْ وَحَدَّهُمْ فَلَم يكذِّبُهُمْ وَوَعَدَهُمْ فَلَم يخلفُهُمْ فَهُوَ مِنْ كَمْلَتْ مُؤْمَنَةٍ وَظَهَرَتْ عَدَالُهُ وَوَجَبَتْ أُخْرَوَتُهُ وَسَرِّمَتْ غَيْبَتُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۰۸/۱).^۲ همچنین امام سجاد علیهم السلام فرموده است: «وَالَّذُنُوبُ الَّتِي تُنْبِلُ النِّقَمَ عَصِيَانُ الْعَارِفِ بِالْبَغْيِ وَالتَّطَّاولُ عَلَى النَّاسِ وَالْإِسْتَهْزَاءُ بِهِمْ وَالسُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۷۰ – ۲۷۱).^۳ بر این اساس در مجموع می‌توان گفت: قسط و عدل از اهداف و مقاصد اصلی اسلام است (حسروپناه، ۱۳۹۶: ۱/۲۱۴). در این میان، پیامبر اکرم علیهم السلام حکومتی مبتنی بر عدل تشکیل دادند و امام علی علیهم السلام در وسعتی بیشتر، این راه را ادامه دادند (خمینی، بی‌تا: ۱۰). وقتی از حکومت عدل امیرالمؤمنین علی علیهم السلام سخن به میان می‌آید، ذهن‌ها به سمت مبارزه بی‌امان ایشان با مظاهر ظلم و جور و فساد می‌رود و قاطعیت ایشان را در برخورد با فساد به یاد می‌آورد. در اندیشه امیرالمؤمنین علیهم السلام، بزرگ‌ترین خطری که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، روی کار آمدن افراد ناشایست است. از این رو در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «من بیم آن دارم که نایخدا و نایکاران، زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را برده‌گان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند» (آقاچانی، ۱۳۸۵: ۲۹). بر همین اساس،

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان]

پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدابه آن دو [از شما] سزاوارتر است؛ پس، از بی‌هوس نروید که [درنتیجه از حق] عدول کنید. و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. در این مقاله از مجموعه نرم‌افزارهای علوم اسلامی نور استفاده شده است.

۲. هر کس در معاشرت با مردم به آنان ظلم نکند، دروغ نگوید و خلف و عده ننماید، جوانمردی اش کامل، عدالت‌نش آشکار، برادری با او واجب و غبیتش حرام است.

۳. گناهانی که باعث نزول عذاب می‌شوند، عبارت اند از: ستم کردن شخص از روی آگاهی، تجاوز به حقوق مردم، و دست انداختن و مسخره کردن آنان.

ایشان به انتخاب کارگزاران شایسته اهتمام می‌ورزید و پس از انتصاب نیز بر آن‌ها نظارت داشت تا از مسیر عدالت منحرف نشوند و نلغزنند.

با توجه به این که حکومت در ایران کنونی نیز داعیه دار **الگوپذیری** از سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در اداره جامعه است، ضرورت دارد تا با پژوهش در ابعاد مختلف سیره حکومتی آن حضرت، مسیر این **الگوپذیری** تسهیل گردد. از این رو در نوشتار حاضر که بخشی از پژوهشی توصیفی - اکتشافی با استفاده از فرایند تحلیل مضمون است، به بررسی شیوه مواجهه امیرالمؤمنین علیه السلام با الغزش کارگزار در نامه های «نهج البلاغه» پرداخته شده است. به طور خاص این در نامه ها، به مسئله پیشگیری از خطای کارگزار و نیز مواجهه علیه السلام با الغزش کارگزار توجه جدی شده است. نامه ۵۳ «نهج البلاغه» از جمله نامه هایی است که به پیشگیری از خطای در دستگاه علوی اشاره دارد. علیه السلام در توصیه ای به مالک اشتر درباره کارگزاران به چند مسئله اشاره نموده که نشان دهنده پیشگیری از خطای در دستگاه علوی است: ۱. امر به به کار گرفتن کارگزار پس از آزمایش وی؛ ۲. نهی از انتخاب کارگزار بدون مشورت و با میل شخصی؛ ۳. ارائه معیارهایی برای انتخاب کارگزار؛ ۴. امر به افزودن بر رزق کارگزار؛ ۵. امر به گماردن فردی برای آگاهی از عمل کارگزار. حال اگر با وجود تدابیر و دستورالعمل های اعمالی از سوی امام علیه السلام، کارگزار به خطای و فساد دست زد، شیوه بخورد با کارگزار خاطی به چه صورت است؟ با توجه به اهمیت مقابله با کارگزار خاطی در سیره علوی و نقش آن به عنوان رهنمود و الگوی در نظام اسلامی، پژوهش حاضر دریی دستیابی به سیره علوی در مواجهه با الغزش کارگزار در بخش نامه های «نهج البلاغه» است.

در مورد عدالت در حکومت علوی، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که به طور خاص در موضوع شیوه برخورد با خاطی، می‌توان به: «سیره مدیریتی امام علی^ع در برخورد با کارگزار متخلف» اثر حسین خاکپور، محمدحسن آهنگر و آذر زارعی (۱۳۹۵) و «سیره مدیریتی امیر المؤمنین در مسئله لغزش مالی کارگزاران» اثر حسین قاضی‌خانی (۱۳۹۸) اشاره کرد. آنچه موجب تمایز و نوآوری نوشتار حاضر با پژوهش‌های پیشین می‌شود: ۱. جامعیت در هر نوع لغزش اجتماعی کارگزار ۲. استفاده از فرایند تحلیل مضمون در قالب نرم‌افزار MaxQDA است که سبب دقت و رویکرد جدید در ارائه شیوه مواجهه امام^ع در مقابل با خطا و لغزش است.

تحلیل مضمون یک فرایند برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۱ - ۱۹۲). در این فرایند، داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوی موجود در آن‌ها تبییل می‌شود (اعبدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۶ - ۱۵۳). ابتدا باید

داده‌ها را کدگزاری کرد. در مرحله بعد با توجه به اشتراکات مفهومی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و کلان را تشکیل داد (همان: ۱۶۰). در پایان می‌توان با استفاده از یک یا چند مورد از لبزارهای تحلیلی از جمله: قالب مضامین، شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای، به رائمه‌گزارشی از نتایج پرداخت (ر.ک: همان: ۱۶۵ - ۱۷۲).

۲. تبیین مفهوم «لغزش کارگزار»

در پژوهش حاضر، منظور از کارگزار، فردی است که در حکومت امیر مؤمنان علیہ السلام مسئولیتی بر عهده دارد، مانند: سپاهیان، فرمانداران، قضاة و مسئولان جمع‌آوری مالیات. همچنین لغزش طیف وسیعی از خطاها، از سهوی تا عمدی و از کم تا بسیار را شامل می‌شود. از آنجایی که معیار سنجش فرد کارگزار از نگاه حضرت علی علیہ السلام حرکت در مسیر عدالت است، «عدالت» به عنوان تراز کارگزار علوی محسوب می‌شود و در حقیقت، لغزش کارگزار به معنای لغزش از مسیر عدالت است؛ لذا در این بخش، مختصراً به بیان مفهوم عدالت پرداخته می‌شود.

مفهوم عدالت: عدالت، در لغت از ریشه «عدل» است؛ اصل عدل به فتح، مصدر است و در مقابل معنای «قسط» آمده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۳ / قسط: ۵ / عدل)؛ به معنای «الحكم بالحق» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱ / عدل)؛ «حكم بالاستواء»؛ قیمت شيء و عوض آن و فديه (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴ / عدل) و با واگان ظلم و جور در تضاد است (جوهری، ۱۳۷۶: ۵ / عدل). عدالت نیز به معنای دادگستری، عدل و انصاف است (شمیم، ۱۳۷۹: ۲ / ۷۳۴).

در بیان امیر المؤمنین علی علیہ السلام نیز، این کلام حکمت‌آمیز که فرمود: «الْعَدْلُ يَضْعِفُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»^۱ (حکمت: ۴۲۹) معروف است و به عنوان تعریف عدلت به آن استناد می‌شود (سیدعلوی، ۱۳۷۹: ۴۲). در اینجا حضرت در پاسخ فردی که از افضلیت عدل و جود می‌پرسد، با توجه به لازمه عدل - که قرار گرفتن هر چیز در جای خودش است -، آن را از جود بهتر می‌دانند. استناد مطهری (ابی تا) در تفسیر این حکمت چنین می‌گویند: زمانی که عدالت در جامعه برقرار باشد، اجتماع، حکم ماشینی را دارد که هر جزء آن در جای خودش قرار دارد؛ اما جود، جریانی غیرطبیعی است؛ مانند این است که عضوی از بدن بیمار شود و دیگر اعضا به طور موقت برای اصلاح آن کمک کنند؛ چه بهتر که جامعه چنین اعضای بیماری نداشته باشد (۱۱۸)!

۱. عدالت، هر چیز را به جای خود می‌نهد.

بنابر تحقیق، امام علی ع در موضع متعدد، عدل و حق را بهم پیوند زده‌اند؛ چنان‌که در خطبهٔ ۲۰۷ رعایت حقوق را عامل برپایی عدالت دانسته‌اند: «فَإِذَا أَدْتِ الرِّعْيَةَ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّالْحَقُّ يَئْنَهُمْ، وَقَامَتْ مَتَاهِجُ الدِّينِ، وَاغْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ». ^۱ همچنین ایشان در تفسیر آیه ۹۰ سوره نحل، عدل را به معنای انصاف بیان می‌کنند: «الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ» ^۲ حکمت: (۲۲۳) که می‌توان آن را زیرمجموعهٔ تعاریف بیان شده قرار داد.

در پژوهش حاضر نیز عدالت به معنای «قرار گرفتن هر چیز در جای خود و اعطای حق هر ذی حقی به خودش»، درنظر گرفته شده است و «به امور واجب تعلق دارد؛ نه مستحب». بنابراین هر نوع لغش کارگزار، اعم از مسائل مرتبط با امور مالی، نظامی، رفتاری و... که از واجبات و وظایف او بوده و خلاف حق و جور و ستم است، خارج از مسئلهٔ عدالت درنظر گرفته شده است و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳ - دستگاه نظارتی امام علی ع

در بررسی نامه‌های «نهج‌البلاغه» خطاب به کارگزاران به‌دست می‌آید که علی ع یک سیستم نظارتی و حسابرسی قوی برای نظارت بر کارگزاران ایجاد کرده بود. امام ع علاوه بر تدبیری که برای انتصاب و پیشگیری از خطای کارگزاران اتخاذ می‌کرد، بعد از انتصاب نیز آنان را مورد نظارت قرار می‌داد؛ به عبارتی، وظیفهٔ خود را تمام شده نمی‌دانست و آنان را رها نمی‌کرد. در سیرهٔ حکومتی حضرت امیرالمؤمنین علی ع وجود سیستم نظارتی قوی، یک ضرورت است. ایشان در نامه ۵۳ «نهج‌البلاغه» خطاب به مالک اشتر، با امر به گماردن جاسوسانی بر عمال، او را به ایجاد یک سیستم نظارتی دستور می‌دهد می‌فرماید: «وَابْعَثُ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدْقَ وَالْقَوَاعِدِ عَلَيْهِمْ [...] تَحَفَّظْ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنْ أَخَدْ مِنْهُمْ بَسْطَ يَدُهُ إِلَى خِيَانَةِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ اكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا...». ^۳

۱. زمانی که رعیت، حق خود را نسبت به والی بگزارد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا نماید، حق در میان آن‌ها عرّت یابد و پایه‌های دینشان استواری گیرد و نشانه‌های عدالت برپا گردد.

۲. عدل، انصاف است.

۳. و جاسوسانی از مردم راستگوی و وفادار به خود بر آنان بگمار. [...] و بنگرتا یاران کارگزارانت تو را به خیانت نیالایند. هر گاه یکی از ایشان دست به خیانت گشود و اخبار جاسوسان در نزد تو به خیانت او گرد آمد و همه بدان گواهی دادند، همین خبرها تو را بس بود... .

امام علی^ع در موقعیت‌های مختلف به کارگزاران خود نامه می‌نگاشت و وظایف آنان و توصیه‌های مورد نیاز را برایشان مرقوم می‌کرد. علاوه بر ارتباط مستقیم، افرادی را بر آنان می‌گمارد تا مخفیانه از اعمال کارگزاران مطلع شود. در مواردی که شائبه‌ای از خطا و لغزش در کارگزار مشاهده می‌کرد و به ایشان اخباری می‌رسید، برای پیشگیری از عمل وی، به او موارد لازم را بیان می‌داشت یا گوشزد می‌کرد و او را بر حذر می‌داشت (نامه: ۴۰ و ۴۵). ایشان در مواردی خود به حسابرسی و بررسی لغزش یا عدم لغزش کارگزار می‌پرداخت؛ همچنان که در نامه ۴۰ به کارگزار امر می‌کند که حساب مالی را برای بررسی نزد امام علی^ع بفرستد: «فَأَرْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ».^۱ حال اگر در این میان، خطا و لغزش کارگزاری ثابت گردید، به شیوه‌هایی با لغزش وی مقابله می‌کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۴ - تحلیل مضمون نامه‌های نهجه البلاعه با رویکرد "برخورد با لغزش کارگزار"

برای پاسخ به سؤال پژوهش حاضر، نامه‌هایی که به شیوه برخورد با خاطی، هشدار به عاقبت سوء کارگزار در صورت تخلف و ارائه دستورالعمل به کارگزار برای مقابله با خطای کارگزار زیردست اشاره دارند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ این موارد در نامه‌های: ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۳، ۶۱، ۶۰، ۶۳ و ۷۱ یافت شد. در ابتداء برای ارائه دسته‌بندی مرتب، دقیق و مفید، نامه‌های بیان شده تعطیع و کدگذاری شدند. سپس با توجه به اشتراکات مفهومی سه مضمون: پایه، سازمان‌دهنده و فراغیر تشکیل شدند و برای ارائه گزارشی تقسیمی، شبکه مضماین^۲ ترسیم گشت. با توجه به شبکه مضماینی که در تصویر ۲ نمایان است، مضمون فراغیر «شیوه برخورد با لغزش کارگزار» از سه مضمون سازمان‌دهنده «اعتراض»، «ارشاد» و «عقابت سوء» تشکیل می‌شود. امام علی^ع در اعتراض به کارگزار، گاه از تبیین و گاه از نکوهش و سرزنش استفاده می‌کند. همچنین در موقعی با امر به تقوی و آخرت‌گرایی و بیان وظیفه و مسئولیت، کارگزار خاطی را ارشاد می‌نماید. از عواب سوء لغزش کارگزار نیز به خسران اخروی و دنبیوی وی اشاره می‌فرماید. نمی‌توان روابط سلسله مراتبی برای مضماین درنظر گرفت؛ زیرا در

۱. حساب خود را نزد من بفرست.

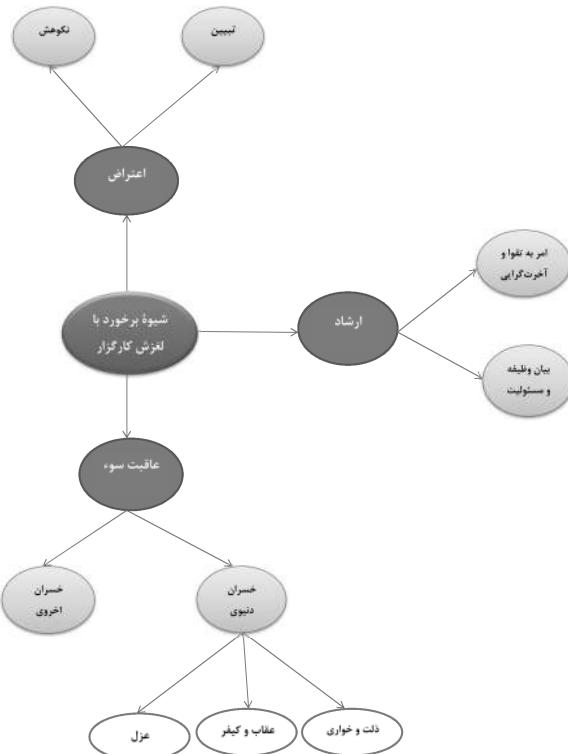
۲. نظام‌مند کردن مضماین پایه، سازمان‌دهنده و فراغیر و ارائه نقشه‌ای شیوه تارنما به عنوان یکی از ابزارهای تحلیلی در فرایند تحلیل مضمون.

برخی نامه‌ها (مانند: ۴۱) از هر سه مضمون سازمان دهنده استفاده شده است و در برخی نه. در ادامه، هر یک از مضماین به تفصیل شرح داده می‌شود.

تصویر ۱: نمونه کدگذاری و تشکیل مضماین در نرم‌افزار MaxQDA



تصویر ۲: شبکه مضامین شیوه برخورد با لغزش کارگزار



۴ - ۱ - اعتراض

هر عکس العمل امام علیؑ نسبت به تخلف کارگزار، نشان اعتراض ایشان به خطای اوست. در این بخش به طور خاص به مواردی که در نامه‌ها به وضوح نمایان است، اشاره می‌شود. مسئله حائز اهمیت در این بخش، نوع اعتراض امام علیؑ نسبت به خاطی است که می‌توان آن را به دو دستهٔ اعتراض همراه با تبیین و اعتراض همراه با نکوهش تقسیم کرد.

۴ - ۱ - ۱ - اعتراض همراه با تبیین

در برخی از موارد، امام علیؑ اعتراض خود را همراه با تبیین مسئله برای کارگزار بیان می‌فرماید. این شیوه در نامه‌های ۱۸ و ۱۹ قابل مشاهده است. در هر دو مورد، کارگزار در رفتار با رعیت به اشتباه عمل کرده است. نامه ۱۸ خطاب به ابن عباس، عامل امام علیؑ در بصره است.

گفته شده ابن عباس با بنی تمیم به علت مشارکت و طرفداری شان از طلحه و زبیر در جنگ جمل، بدرفتاری نمود (ابن میثم، ۱۳۶۲ / ۴ : ۳۹۵). امام علی پس از باخبر شدن از مسئله، به وی نامه نوشت و او را به مدارا با آنان امر کرد. امام علی با اعتراض نسبت به عمل ابن عباس، دلیل خطا بودن عمل وی و امر به مدارا را چنین بیان می‌فرماید:

وَقَدْ بَلَغَنِي تَنْمُرُكَ لِيَتْنِي تَمِيمٌ وَغُلْظُتُكَ عَلَيْهِمْ وَإِنَّ يَتِي تَمِيمٌ لَمْ يَغْبُ لَهُمْ نَجْمٌ إِلَّا طَلَعَ لَهُمْ آخِرُهُ إِنَّهُمْ لَمْ يَسْبِقُوا بِوَعْدٍ فِي جَاهِلِيَّةٍ وَلَا إِسْلَامٌ وَإِنَّ لَهُمْ بِنَا رَحْمًا مَاءَةً وَ قَرَابَةً خَاصَّةً نَثْرُنَ مَأْجُورُونَ عَلَى صَلَتِهَا وَمَازُورُونَ عَلَى قَطْعِيهَا.^۱

همان‌طور که از متن نامه نمایان است، امام علی با بیان چند صفت نیک از بنی تمیم، دلیل نهی از بدرفتاری و امر به مدارا با آنان را بیان می‌فرماید؛ شخصیت‌های برجسته آنان، شجاعتشان، پیوند خوبشاوندی و قرابت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ / ۹ : ۲۳۲). نامه ۱۹ نیز خطاب به کارگزاری است که با دهقانان محل فرمانداری اش که مجوس بودند، با درشت‌خوبی و سخت‌دلی برخورد کرد؛ امام علی در اعتراض به رفتارش دلیل خطا ای او و لزوم رفتار به میانه را چنین بیان می‌فرماید: «وَنَظَرْتُ فَلَمْ أَرَهُمْ أَهْلًا لِأَنْ يَدْنُوا لِلشَّرِكَهُمْ وَلَا أَنْ يَقْصُرُوا وَ يَجْفَوْ لِعَهْدِهِمْ». ^۲ با توجه به کلام امام علی، چون دهقانان محل فرمانداری کارگزار مشرک هستند، شایسته نزدیکی نیستند؛ همچنین با توجه به این که در پناه جامعه اسلامی قرار دارند نیز جایز به بدرفتاری و ستم با آنان نیست؛ پس باید رفتاری میانه داشته باشد.

باید توجه داشت همراهی اعتراض با تبیین و نرمی و دوری از نکوهش امام علی به معنای کم‌اهمیت بودن مسئله عدالت در رفتار نیست؛ زیرا با توجه به دیگر نامه‌هایی که امام علی به کارگزاران نگاشته و به صورت مکرر به خوش‌رفتاری، مهریانی، خضوع، لطف و محبت نسبت به مردم اشاره کرده، عدالت در برخورد و رفتار از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به دو نامه بیان شده، به نظر می‌رسد اعتراض همراه با تبیین در خصوص افرادی است که قصد ایجاد فساد

۱. به من خبر رسیده که با بنی تمیم بدخوبی و درشتی کرده‌ای. از میان بنی تمیم ستاره‌ای غروب نکرد. مگر آن که در میان آن‌ها ستاره دیگری طلوع نمود. در جاهلیت و اسلام، در کینه‌جویی، کس همانند آن‌ها نبوده است. ایشان را با ما پیوند خوبشاوندی و قرابت خاص است که اگر آن را مراعات کنیم، پاداش یابیم و اگر نکنیم، مرتكب گناه شده‌ایم.

۲. نگریستم و دیدم که آنان هنوز مشرک‌اند و سزاوار آن نیستند که به خود نزدیکشان سازی و چون در پناه اسلام‌اند، نشاید که آنان را برانی با برایشان ستم رواداری!

نداشتند و نمی‌توان لقب فاسد را بر آنان نهاد؛ بلکه به دلیل ناآگاهی دست به خطا زندند؛ بنابراین امام علیہ السلام برای بازداشت آنان از اشتباهشان، با تبیین موضوع و رفتار درست، آنان را آگاه می‌کرد.

۴-۱-۲- اعتراض همراه با نکوهش

در نوع بعدی، اعتراض امام علیہ السلام همراه با نکوهش، توبیخ و سرزنش کارگزار است. هر اعتراضی در بطن خود رگه‌هایی از نکوهش دارد؛ ولی برخی اعتراض‌ها در ظاهر هم با نکوهش و سرزنش همراه هستند. با توجه به بررسی نامه‌ها، این نوع برخورد در خطاهای مرتبط با امور مالی و نظامی استفاده شده است.

نامه ۶۱، نامه عتاب‌آمیزی خطاب به کمیل بن زیاد است. وی که فرماندار منطقه آبادی در اطراف بغداد و در نزدیکی شهر انبار بود، مرتکب یک خطای نظامی شده بود و مناطق حساس تحت نفوذ خود را رها کرده و به سراغ مناطق دیگری رفته بود؛ همین امر سبب شد که غارتگران لشکر شام و معاویه، ضربه سنگینی بر مردم منطقه وارد آورند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱ - ۲۲). در این نامه، امام علیہ السلام با اشاره به ناتوانی وی، نقص اندیشه‌اش، نترسیدن دشمنان از او، رفع نیاز نکردن از رعیت و خشنود نکردن امام، خطاب به وی می‌فرماید:

أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ تَضْيِيقَ الْمَرْءِ مَا وُلِّيَ وَتَكْلُفُهُ مَا كُنِّيَ لَعْجُزٌ حَاضِرٌ وَرَأَى مُتَبَرِّرًا إِنَّ تَعَاطِيَكَ
 الْغَارَةَ عَلَى أَهْلِ قَرْقِيسِيَا وَتَعْطِيلَكَ مَسَالِحَكَ الَّتِي وَلَيْنَاكَ لَيْسَ بِهَا مَنْ يُنْعَهَا وَلَا يُرْدُ
 الْجَيْشَ عَنْهَا لِرَأْيِ شَعَاعٍ فَقَدْ صَرَّتْ جِسْرًا لِمَنْ أَرَادَ الْغَارَةَ مِنْ أَعْدَائِكَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ.^۱

نامه ۴۱ نیز از نامه‌هایی است که امام علیہ السلام به صراحت خیانت مالی کارگزار را مورد سرزنش و نکوهش قرار می‌دهد؛ ایشان ضمن بیان رابطه خاص خود با او، یار و همراه امام علیہ السلام بودنش، حسن سابقه او و حسن‌ظن امام علیہ السلام نسبت به وی، شریک بودنش با امام علیہ السلام در امانت مسئولیت، حرام و مال غیر بودن اموالی که بدان‌ها تعرض کرده، خیال آسوده‌اش از عمل خطایش و... عمل خطای وی را نکوهش و سرزنش می‌کند؛ به گونه‌ایی که در بطن نامه، دلسوزی امام علیہ السلام نسبت به کارگزار نمایان است. با توجه به حجم زیاد متن، در اینجا بخشی از ابتدای کلام امام علیہ السلام را می‌آوریم: «فَإِنَّى كُنْتُ

۱. کسی که کاری را که بر عهده او گذاشته‌اند تباہ سازد و به کاری که انجام دادنش بر عهده دیگران است، پیردادزد، ناتوان مردی است با اندیشه‌ای ناقص. تاخت و تاز کردن بر قرقیسیا و رها کردن مرزهایی که تو را به حفظ آن‌ها فرمان داده‌ایم، به گونه‌ایی که کس آن‌ها را پاس ندارد و لشکر دشمن را از آن منع نکند، نشان فارسایی اندیشه توست. تو به مثابه پلی شده‌ای که هر کس از دشمنانت بخواهد بر دوستانت تاخت آورد، از آن پل می‌گذرد.

آنچه از این مکارهای کارگزاری مذکور در نسبت به این اتفاق می‌گویند، این است که این اتفاق را از نظر این افراد می‌دانند و برخی عبیدالله؛ اما ابن میثم (۱۳۶۲) سندي برای هیچ‌یک از موارد قائل نیست (۹۰ / ۵). آنچه اهمیت دارد، شیوه برخورد با نکوهش و امتنان امام علی (ع) بر وی است.

۴ - ارشاد

در برخی از نامه‌ها، امام علی (ع) بعد از اعتراض نسبت به عمل کارگزار، او را به مسیر درست، هدایت و ارشاد می‌فرماید. مجموع کدهای مستخرج از این بخش را می‌توان به دو بخش: امر به تقوا و آخرت‌گرایی و بیان وظیفه و مسئولیت تقسیم کرد.

۴ - ۲ - امر به تقوا و آخرت‌گرایی

با توجه به برخی از کدهای به دست آمده، امام علی (ع) در مواردی کارگزار را با توجه دادن به آخرت، هدایت و راهنمایی می‌کند. تقوات این بخش با مضمون خسران اخروی^۱ از این جهت است که در این دسته از کدها، حضرت علی (ع) با رویکردی هدایتی، رفتار و عمل صحیح را به کارگزار بیان می‌فرماید؛ اما در مضمون خسران اخروی، وی را از عاقبت سوء اخروی عملش آگاه می‌نماید و برحذر می‌دارد. همچنین امام علی (ع) با امر کارگزار به رعایت تقوا، وی را به مسیر صحیح ارشاد می‌نماید. توجه امام علی (ع) به تقوا، رعایت حلال و حرام... تنها در مواجهه با کارگزار خاطی نیست؛ بلکه ایشان از این مسئله به صورت ابتدایی در جای جای نامه‌های «نهج البلاغه» استفاده کرده است (برای نمونه، ر.ک: نامه‌های: ۱۲، ۲۵ و ۵۳). در ادامه نمونه‌هایی از نامه‌هایی که به این مضمون اشاره دارند، بیان می‌شود.

نامه ۲۱ از نمونه نامه‌هایی است که امام علی (ع) کارگزار را به آخرت‌گرایی رهنمود می‌کند؛ از صدر این نامه که در «انساب الأشراف» بلاذری آمده، استفاده می‌شود. به امام علی (ع) خبر رسید که زیاد بن ابیه مرتکب کارهای خلافی می‌شود؛ از جمله این که سفره رنگین با چند نوع غذا تهیه می‌کند و در برخورد با افراد، متکبر است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۹ / ۲۵۱ - ۲۵۲). امام علی (ع) در ابتدای نامه، او را از اسراف نهی می‌نماید؛ به میانه روی امر می‌کند و در ادامه به وی سفارش می‌کند که

۱. تورادر امانت خود شریک کردم و بار و همراه خود شمردم و هیچ‌یک از افراد خاندان من در غمخواری و باری و امانتداری

در نزد من همانند تو نبود.

۲. در ادامه بیان می‌شود.

خود را برای سرای آخرت آماده سازد و از اموال در حد کفايت دنیايش بردارد و باقی را به عنوان توشه برای آخرتش روانه گرداند: «وَأَذْرِفْنِي الْيَوْمَ غَدَّاً وَأَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَقَدْمِ الْفَضْلِ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ». ^۱ در نامه ۴۱ نیز امام علی^ع کارگزار را با امر به تقوا ارشاد می‌کند. همان‌طور که در مضمون «اعتراض همراه با نکوهش» بیان شد، در این نامه، امام علی^ع در گام اول، کارگزار را بابت خیانت در اموال نکوهش و سرزنش می‌کند. پس از اشاره به معاد و حسابرسی خداوند، در ادامه نامه در گام دوم، وی را به تقوا امر می‌فرماید: «فَاتَّقِ اللَّهَ».

در تبیین مسئله می‌توان گفت، تقواي ديني و الهى به اين معناست که انسان خود را از خطاء گناه، زشتی و پلیدی اى که دين در ميان اصول و تعاليم زندگی معرفی کرده است، حفظ و صيانت نماید و به آن مرتكب نشود (مطهرى، ۱۳۸۸: ۲۳). باید توجه داشت با وجود اين که تقوا در دين امری نفساني است، اما آثار عيني فردی و اجتماعی زيادي دارد و جزء عناصر ناظر بر ارزش‌هاي اجتماعي محسوب می‌شود (شرف‌الدين، ۱۳۹۶: ۱۳۹). با توجه به تعریفی که از تقوا و آثار آن بیان شد، رعایت تقوا و حدود الهى، مساوى با حفظ و صيانت کارگزار از لغزش، خطأ و فساد است و اين‌گونه امام علی^ع کارگزار را از لغزش و خطایش به مسیر صحيح ارشاد می‌فرماید.

از سویی دیگر، توجه داشتن به آخرت نیز نقش زيادي در پيشگيری از خطأ و ارشاد کارگزار متخلف دارد؛ زيرا هر گرفتاري که فرد بر خود تحميل می‌کند و خطأ و فسادی که انجام می‌دهد، به دليل اهتمام زياد وی به دنياى ناپايدار است. اگر فرد به بقا، پايداری و اصل بودن سرای آخرت باور و توجه داشته باشد، برای کسب و آبادانی دنياى فاني، سرای حقيقى خود را خراب نمی‌کند. حتی در مرتبه‌اي بالاتر، برای آبادانی حيات اخروي خود با عقиде و عمل درست و نيك توشه فراهم می‌سازد.

۴ - ۲ - بیان وظیفه و مسئولیت

شیوه امام علی^ع در برخی از نامه‌ها بدين صورت است که پس از بیان اشتباه خاطی، عمل صحيح و وظیفه او را گوشزد می‌کند. همان طور که بیان شد، در نامه ۱۸ امام رفتار ناصحیح کارگزار نسبت به بنی تمیم را تبیین می‌نماید؛ در ادامه امام علی^ع رفتار صحیحی را که باید در برابر آنان داشته باشد بیان می‌کند و او را به رفتاري که موجب حسن ظن امام علی^ع می‌شود، سفارش می‌کند:

۱. امروز به فکر فردایت باش. از مال به قدر نیازت نگهدار و آچه افزون آید، پیشایش برای روزی که بدان نیازمند گردی، روانه دار.

«فَإِذْنُ أَبَا الْعَبَّاسِ رَحْمَكَ اللَّهُ فِيمَا جَرَى عَلَى يَدِكَ وَلِسَانِكَ مِنْ حَيْرَوْ شَرِّ فَإِنَّا شَرِيكَانِ فِي ذَلِكَ وَ
كُنْ عِنْدَ صَالِحٍ طَنِّي بَكَ». ^١

در نامه ۱۹ نیز مانند نامه قبل، پس از تبیین، کارگزار را به رفتاری میانه با دهقانان مجوس تحت حکمرانی امر می‌کند: «فَالْبِئْسُ لَهُمْ جِلْبَابًا مِنَ الَّذِينَ تَشْوِهُ بِطَرْفٍ مِنَ الشَّيْدَةِ وَ دَاوِلَ لَهُمْ بَيْنَ الْقَسْوَةِ وَ الرَّأْفَةِ وَ امْرُجْ لَهُمْ بَيْنَ التَّقْرِيبِ وَ الْإِدْنَاءِ وَ الْإِبْعَادِ وَ الْإِقْصَاءِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».^۲

در نامه ۴۱ نیز امام علی^ع پس از نکوهش عمل کارگزار، به عنوان گام دوم در مواجهه با خاطی، پس از امر به تقوا او را به پس دادن اموال امر می‌کند: «وَ ارْدُدْ إِلَى هُؤُلَاءِ الْقَوْمُ أَمْوَالَهُمْ».^۳

با توجه به پیشینه نیکی که کارگزار داشت، امام علی^ع قبل از این که بخواهند وی را عقوب کند، با بیان وظیفه و مسئولیت وی - که برگرداندن اموال است -، او را به راه صحیح رهنمود می‌فرماید و این چنین حجت را بروی تمام می‌کند. نکته‌ای که در ذیل این عبارت می‌توان به آن اشاره کرد، مسئله «بازپس‌گیری اموال» است. پس گرفتن اموال بیت‌المال از کارگزار فاسد، از دیگر شیوه‌های برخورد امام علی^ع است. این مسئله در قول و فعل امام علی^ع در دیگر منابع نمایان است؛ اما در حجم نمونه نوشتار حاضر، غیر از مورد بیان شده، مطلب صریح دیگری که در آن اختلاف نظر وجود داشته باشد، یافت نشد.

٤ - ٣ - عاقبت سوء

در این مرحله، امام علی^ع به سرانجام و پیامد سوء عملی که کارگزار انجام داده است، اشاره می‌فرماید. بیان امام علی^ع در مورد عاقبت سوء تخلف کارگزار، گاه برای هشدار و برحدز داشتن وی است و گاه در پاسخ به عمل خطا و عقاب وی. این مضمون به دو مضمون خسران اخروی و خسران دنیوی تقسیم می‌شود که اقتباس گرفته از کلام امام علی^ع در نامه ۳ «نهج البلاغه» است.

در این نامه امام علی^ع برای پیشگیری از خطاکاری کارگزار، او را از خرید خانه با مال غیر و مال حرام نهی می‌کند و در ادامه می‌فرماید که اگر رعایت نکند در دنیا و آخرت خاسر می‌گردد: «فَإِذَا

۱. پس ای ابو العباس، خدایت رحمت کناد! در آنچه از نیکی و بدی بر دست تو جاری می‌شود، مدارا کن؛ که ما هر دو در آن شر بکیم و چنان باش که گمانیم به تو نیکو گردد.

۲. پس شعار خود ساز، درشتی کردن را آمیخته به نرمخویی و روشنی پیش گیر، میان شدت و رأفت. گاه آن‌ها را به خود نزدیک نمای و گاه از خود دور دار، اگر خدا واهد.

۳. و اموال این قوم را به آنان بازگردان.

أَنْتَ قَدْ حَسِيرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَدَارَ الْآخِرَةِ». ^۱

۴ - ۳ - ۱ - خسران اخروی

خسران و زیان در سرای آخرت از عاقب سوء اخروی عمل پیشوای ستمکار است؛ چنان‌که در حدیث نبوی بدان چنین اشاره شده است: «أَحَبُّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَقْرَبُهُمْ مِنَ اللَّهِ مَعْجِلًا إِمَامٌ عَادِلٌ إِنَّ أَبْعَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ وَأَشَدُّهُمْ عَذَابًا إِيمَامٌ جَائِرٌ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲/ ۴۶۶). همچنین در بیان امام صادق علیه السلام پیشوای ستمکار، از افرادی است که بی‌حساب وارد آتش می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/ ۸۰). ^۲ در سطحی خودتر نیز در بیان امام علیه السلام، به عاقبت سوء اخروی عمل کارگزار خاطی اشاره شده است. امام علیه السلام در برخی از نامه‌ها در مواجهه با کارگزار خاطی، او را به عاقبت سوئی که در سرای آخرت منتظر وی است، توجه می‌دهد؛ زیرا در سرای آخرت که اصل، مقصد نهایی و باقی است، حسابرسی اعمال بر عهده خداوند است و حسابرسی خداوند، بسی بزرگ‌تر از حسابرسی مردم است: «وَاعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ» (نامه: ۴۰). همچنین ایشان اصلاح دنیا با نابودی دین را موجب زیانکارترین مردم شدن کارگزار خاطی می‌داند (نامه: ۴۳).

نامه ۴۱ از نمونه نامه‌هایی است که امام علیه السلام در سه قسمت از آن، کارگزار را به معاد و حسابرسی آن روز هشدار می‌دهد؛ ایشان در نکوهش کارگزار به مسئله معادباوری می‌فرماید: «فَسُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُؤْمِنُ بِالْمَعَادِ أُو مَا تَخَافُ نِقَاشَ الْحِسَابِ». ^۳ از منظر امام علیه السلام ایمان به معاد و ترس از حسابرسی اعمال در آخرت، می‌تواند به عنوان سدی در برابر بی‌عدالتی و خیانت واقع شود. در ادامه نامه در بیان عقوبت و کیفر کارگزار در صورت برنگرداندن اموال نیز به زیان اخروی وی اشاره می‌نماید: «فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمْكَنَنِي اللَّهُ مِنْكَ لَا عَذَرَنَ إِلَى اللَّهِ فِيكَ وَلَا ضَرَبَنَكَ بِسَيِّفِي الَّذِي مَا صَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ». ^۴ در بخش پایانی نامه نیز ایشان با تصویرسازی مرگ و عرضه اعمال به این مسئله اشاره می‌کند: «فَكَانَكَ قَدْ تَبَاغَتَ الْمَدَى وَدُفِنَتْ تَحْتَ التَّرَى

۱. و بدان که حساب کشیدن خدا از حساب کشیدن ادمیان، شدیدتر است.

۲. ثالثة يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجِنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَثالثة يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجِنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَمَا الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجِنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَإِلَمَعْ عَادِلٌ وَثَاجِرٌ صَدُوقٌ وَشَيْخٌ أَقْتَى عُمَرًا فِي طَاغِيَ الْمُجْرِمِ وَأَمَا الْثَالِثُ الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجِنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَإِلَمَعْ حَانِرٌ وَتَاجِرٌ كُذُوبٌ وَشَيْخٌ رَانٌ.

۳. سبحان الله! آیا به قیامت ایمان نیست؟ آیا از آن روز حساب بیمی به دل راه نمی‌دهی؟!

۴. که اگر چنین نکنی و خداوند مرا بر تو پیروزی دهد، با تو کاری خواهم کرد که در نزد خداوند عذرخواه من باشد. با این شمشیر، که هر کس را ضربتی زده‌ام به دوزخش فرستاده‌ام، تو را نیز خواهم زد.

وَعُرِضَتْ عَلَيْكَ أَعْمَالُكَ بِالْمَحْلِ الَّذِي يَنَادِي الطَّالِمُ فِيهِ بِالْحَسْرَةِ وَيَتَمَّنِي الْمُضَيِّعُ فِيهِ الرَّجْعَةَ
وَلَاتِ حِينَ مَنَاصٍ».^١

مسئله حائز اهمیت این است که با توجه به مضامین «خسران اخروی» و «امر به تقوا و آخرت‌گرایی» در مضمون ارشاد، در سبک حکومت امام علی^ع دین جریان دارد و حکومت ایشان با استفاده از علوم سیاسی‌ای که در جهان مادی کنونی وجود دارد، نیست.

۴ - ۳ - ۲ - خسروان دنیوی

از دیگر پیامدهای سوء که در برخی از نامه‌ها شامل حال کارگزار متخلّف می‌شود، خسaran او در دنیا است؛ این خسaran با توجه به تدبیری که امام علیهم السلام برای مقابله با فساد درنظر گرفته است، به وجود می‌آید. این تدبیر شامل: ذلیل و خوار کردن کارگزار، کیفر و عقاب و عزل وی از منصبش می‌شود که شرح هریک در ادامه بیان می‌گردد.

۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ذلت و خواری

امیر المؤمنین علیه السلام گاه در نامه اعتراضی که به کارگزار خود می‌نویسد به مسئله خواری و ذلت وی اشاره می‌نماید و از این مسئله به عنوان عاقبت سوء عمل او یاد می‌کند. در شیوه برخورد امام علیه السلام ضرورت خوار و ذليل شدن و رسوابی برخی از متخلفان نمایان است. نامه ۲۰ که خطاب به زیاد بن ابیه است، از نامه‌های مهمی است که در مضمون خسران دنیوی از آن استفاده می‌شود. در ابتدای نامه، امام علیه السلام قسم یاد می‌کند که اگر خبر تعرّض وی به اموال مسلمانان به امام علیه السلام برسد، بر او سخت گیرند: «وَإِنِّي أُفْسُدُ بِاللَّهِ قَسْماً صَادِقًا لَكُمْ بَلَغْنِي أَنَّكُمْ حُنْتُ مِنْ فِي إِيمَانِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئاً صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَا شَدَّدْنَ عَلَيْكُمْ شَدَّةً تَدْعُكُ

فَلَيْلَ الْوَفْرَ تَقْبِيلَ الظَّهَرِ ضَيْلَ الْأَمْرَقِ السَّلَامُ». ۲

دلیل قسم امام علیہ السلام برای بیان صدق سخنshan نیست و وجود مقدس امام علیہ السلام دارای عصمت است؛ بلکه برای بیان تأکید قسم شدیدی یادگردها ند. عبارت «ضئیل الامر» در پایان نامه امام علیہ السلام اشاره به حقارت و ذلت حاصل از سختگیری امام علیہ السلام بر عمل خطای وی است. «ضئیل» به معنای حقیر است که در شرح دلیل این حقارت، دو نظر وجود دارد: ۱ - در بین مردم به خیانت

۱. گویی که به پایان رسیده‌ای و در زیر خاک مدفون شده‌ای و اعمال را بر تو عرضه کرده‌اند و اکنون در جایی هستی که ستمگ فریاد حسرت ب م، آود و تنه کننده عمر، آزوی، بازگشت به دنیا مم، کند «حای، گزی نست».

۲. به خدا سوگند می خورم، سوگندی راست که اگر به من خبر رسد که در غنایم مسلمانان بهاندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که کم‌مایه مانی و بار هزینه عیال بر داشت سنگینی کند و حقیر و خوار شوی! والسلام.

شناخته می‌شود؛ ۲ - چون در بین مردم ثروتمند و غنی بود، با گرفتن مالش، نزدشان کوچک و حقیر می‌شود (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۱۵؛ موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۲/۴). هر یک از این نظریات گزیده شود، نتیجه آن، حقارت و خواری کارگزار خائن در اموال است.

علاوه بر سیره عملی شخص امام ع، ایشان در عهده‌نامه مالک اشتر به وی امر می‌کند که بر عمال خود جاسوسانی شایسته بگمارد و اگر آن جاسوسان، گزارش خطای کارگزار را دادند، با او سخت رفتار کند. در بخشی از ارائه دستور تنبیه، چنین بیان می‌فرماید: «ثُمَّ نَصَبْتُهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ وَ وَسَمَّتُهُ بِالْخِيَّةِ وَ فَلَدَّتُهُ عَارَ الرُّثْمَةِ». ^۱ برخورد سه‌گانه‌ای را که امام ع بیان کرد، علاوه بر ذلت، حقارت و رسوبی کارگزار و درس عبرت و عقوبت عملش، سبب می‌شود تا برای افراد دیگر نیز عبرت گردد؛ به عبارتی این برخورد، سبب بازدارندگی از خطای در آینده می‌شود.

۴-۳-۲-۲- عقاب و کیفر

یکی دیگر از شیوه‌های برخوردی امام ع کیفر دادن کارگزار است که در اشکال گوناگون صورت می‌گیرد. گاه با حد زدن و تنبیه بدنی، گاه زندانی کردن و... . نامه ۴۱ به وضوح به این مسئله اشاره دارد. همان‌طور که بیان شد، در نامه مذکور، امام ع در گام اول در مواجهه با خاطی، او را نکوهش می‌کند و بر او منت می‌نهد. در گام دوم، پس از یادآوری معاد، او را به رعایت تقوا و پس دادن اموال ارشاد می‌کند. در گام سوم، او را تهدید می‌کند که در صورت پس ندادن اموال، وی را عقوبت کنند و می‌فرماید: «فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمْكَنَنِي اللَّهُ مِنْكَ لَا عَذْرَنَ إِلَى اللَّهِ فِيهِ وَ لَا صِرْبَنَكَ بِسَيِّفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ يِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ». ^۲ با توجه به کلام امام ع به ضربت شمشیر و بیان اوصاف آن، تهدیدی شدیدتر است که در شرح آن به کشته شدن و به قتل رسیدن توسط امام ع اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۰/۱۲۸). از دیگر موارد، نامه ۲۰ است که در مضمون قبل بیان شد. در این نامه، آیة الله مکارم شیرازی (۱۳۸۶) در شرح عبارت: «ثَقِيلَ الظَّهَرِ»، احتمال داده‌اند، منظور این باشد که مسئولیت خیانت بر دوشش قرار گیرد و در بی آن مجازات شود (۲۴۸/۹). به عقیده ابن میثم (۱۳۶۲) این عبارت بر حساب و جزاء آخرت دلالت دارد (۴۰۰/۴)؛ با توجه به سیاق جمله که فاعل امام ع است، نظر اخیر بعید است.

۱. سپس خوار و ذلیلش سازی و مهر خیانت بر او نهی و ننک تهمت را بر گردنش آویزی.

۲. پس اگر چنین نکنی و خداوند مرا بر تو پیروزی دهد، با تو کاری خواهم کرد که در نزد خداوند عذرخواه من باشد. با این شمشیر، که هر کس را ضربتی زده‌ام به دوزخش فرستاده‌ام، تو را نیز خواهم زد.

علاوه بر سیره عملی شخص امام علیه السلام، ایشان در دو نامه ۵۳ و ۶۰ به کارگزاران خود نیز امر می‌فرماید که کارگزار خاطی زیردست را عقاب نمایند. همان طور که بیان شد، امام علیه السلام به مالک اشتراحت امر می‌کند که بر عمال جاسوسانی بگمارد و در صورت اثبات خیانت کارگزار، بر او سخت گیرد. یکی از این موارد، حد زدن بر او است: «فَبَسِطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ»^۱. همان طور که از عبارت نمایان است، امام علیه السلام به مالک اشتراحت امر می‌کند که کارگزار خاطی را در برابر خطایش تنبیه بدنی کند. همچنین در نامه ۶۰، خطاب به فرمانداری که لشکریان از شهر او عبور می‌کنند، امر می‌نماید که در صورت خطای سپاهیان، آنان را عقوبت کند: «فَنَكِّلُوا مِنْ تَنَاؤلِ مُنْهُمْ ظُلْمًا عَنْ ظُلْمِهِمْ».^۲ در گذشته چنین بود که لشکریان هنگام عبور از مناطق، هرچه از مواد غذایی و اموال مردم را که مورد علاقه آنها بود می‌گرفتند. امام علیه السلام با ارسال نامه جامع الأطرافی به والیان آن مناطق، آنان را به کیفر لشکریان در برابر ستمشان امر می‌کند. بدیهی است اگر اول این نامه جامع الأطراف رعایت می‌گشت، امنیت در آن مناطق حاکم می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱ - ۲۱۴). با توجه به نمونه‌هایی که بیان شد، عقوبت و کیفر کارگزار متخلّف در نامه‌های نهج البلاغه، بیشتر درباره تخلّف مالی کارگزار است؛ اما نمی‌توان گفت عقوبت و کیفر مختص به مسائل مالی است، بلکه در تعالیم اسلام، برای امور غیر مالی نیز حد تعیین شده است.

۴-۳-۲- عزل

عزل و نصب‌های امام علیه السلام یکی از موضوعات مهمی است که دارای خاستگاهی الهی است. اصول و شاخصه‌های عزل و نصب کارگزاران در «نهج البلاغه» به دو اصل کلی ایجابی (خطوط حاکم) و سلبی (خطوط قرمز) تقسیم می‌شود. با توجه به بخشی از اصول سلبی، کارگزارانی که دارای عملکرد مثبت و مطلوب نیستند، عزل می‌گردند (ر.ک: دلشاد تهرانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۰ و ۱۴۱). بنابراین عزل کارگزار از دیگر تدبیری است که امام علیه السلام در مقابل برخی از کارگزاران متخلّف خود پیش گرفته‌اند. عزل کارگزار در دو نامه ۶۳ و ۷۱ به صراحة نمایان است و در برخی نامه‌ها نیز به طور پنهان مشخص است، مانند نامه ۵۳. امام علیه السلام در نامه ۷۱ عدم شایستگی کارگزار متخلّف را برای منصبش بیان می‌کند و خیانت مالی کارگزار را دلیل عزل بیان می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيُسَأَلْ أَنْ يَسْدَدِ بِهِ شَعْرًا وَيُنْقَذَ بِهِ أَمْرًا وَيُعْلَى لَهُ قَدْرٌ

۱. باید به سبب خیانتی که کرده تنفس را به تنبیه بیازاری.

۲. پس کسی را که دست به ستم می‌گشاید در برابر ستمش کیفر دهد.

نامه ۶۳ نیز خطاب به ابوموسی اشعری است. هنگامی که امام علی^ع برای نبرد جمل آماده می‌شدند، ابوموسی اهل کوفه را از همراهی با امام علی^ع بذاشت. نقل‌های مختلفی درباره چگونگی این منع وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ / ۱۱ - ۲۴۹ / ۲۵۱)؛ مسئله مورد نظر این است که زمانی که گزارش این عمل ابوموسی به امام علی^ع رسید، امام علی^ع نامه‌ای عتاب‌گونه به او نوشته و او را بین پیوستن به امام علی^ع و عزل از منصبش مخیر کرد؛ بدین معنا که اگر دست از منع مردم بر ندارد و با امام علی^ع همراه نشود، عزل می‌شود: «فَارْفَعْ ذِيلَكَ وَ اشْدُدْ مُئْزِركَ وَ اخْرُجْ مِنْ جُحْرَكَ وَ انْدُبْ مَنْ مَعَكَ فَإِنْ حَقَّتْ فَانْفُذْ وَ إِنْ تَفَشَّلْ فَابْعُدْ». ^۱

نتیجہ گیری

با توجه به این که، نامه‌های «نهج‌البلاغه» تنها بخش کوچکی از کلام و سیره امام علی^ع در مواجهه با لغزش کارگزار را بیان می‌کنند، نمی‌توان نتیجه‌ای کامل، جامع و مانع از موضوع ارائه داد؛ اما نجفه از پژوهش^۱ حاضر به‌دست مم، آید به شرح زیر است:

- ۱ - در سیره علوی، سلامت کارگزار از خطأ و لغزش اهمیت بسیاری دارد. در دستگاه حکومتی امام علی^ع در ابتدا تدبیری برای پیشگیری از لغزش و خطأ در کارگزاران در نظر گرفته شده است و بر عمل کارگزاران نظارت می‌شود. اگر کارگزاری دست به تخلف و فساد عمد یا غیرعمدی زند، امام^ع با آن به مواجهه بر می‌خیزد.
 - ۲ - از تحلیل مضامین نامه‌های امام علی^ع خطاب به کارگزاران حکومتی به دست می‌آید که مضمون فraigir شیوه برخورد با لغزش کارگزار به سه مضمون سازمان‌دهنده اعتراض، ارشاد و عاقبت سوء تقسیم می‌شود که مضامین پایه هریک بدین شرح است: اعتراض: تبیین - نکوهش؛ ارشاد: امر به تقوی و آخرت‌گرایی - بیان وظیفه و مسئولیت؛ عاقبت سوء: خسران اخوی - خسaran دنیوی (ذلت و خواری، کیفر و عقوبت و عزل). با توجه به این که برخورد امام^ع در نامه‌ها متفاوت بود، نمی‌توان برای مضامین رابطه سلسله مراتبی در نظر گرفت.

۱. کسانی همانند تو هیچ مرزی را استوار نتوانند داشت و لایق آن نیستند که بر رتبه و مقامشان افزوده شود یا در امانتی شریکشان سازند با از خابتیشان در امان تواند بود. این نامه‌نم، که به تو رسید، بر یوه نزد من در حرکت آیی. ان شاء الله!

۲. دامن بر میان زن و بند کمر استوار نمای و از سوراخت بیرون آی و کسانی را که با تو هستند، فراخوان. اگر دیدی که باید از من اطاعت کنی، به نزد من آی و اگر در تردید بودی، از این مقام که تو را داده‌ام کناره‌گیر.

۳ - شیوه برخورد امام علیه السلام به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ مانند: موقعیت، نوع لغزش، عمدی یا سهوی بودن و ...؛ همان‌طور که کدها و مضامین بیانگر این مسئله است.

۴ - برای تکمیل و کارایی بیشتر موضوع به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود: ۱. به بررسی موضوع در دیگر منابع، با استفاده از روش و رویکرد نوشتار حاضر پردازند؛ ۲. به شیوه‌های عملیاتی سازی و کارآمد کردن نتایج حاصل در نظام جمهوری اسلامی ایران پردازند.



کتابنامه

قرآن کریم

۱. نهج‌البلاغه؛ ترجمه: عبدالمحمّد آیتی.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد، (۱۳۳۷ش)، شرح نهج‌البلاغه، تصحیح و تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیة‌الله مرعشی نجفی.
 ۳. ابن‌بابویه، محمد بن‌علی، (۱۴۰۳ق)، معانی‌الأخبار، تصحیح و تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴. ——، (۱۳۶۲ش)، الخصال، تصحیح و تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
 ۵. ابن‌فارس، احمد بن‌فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقایيس اللغا، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۶. ابن‌منظور، محمد بن‌مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان‌العرب، بیروت: دار صادر، سوم.

۷. ابن‌میثم بحرانی، میثم بن‌علی، (۱۳۶۲ش)، شرح نهج‌البلاغه، بی‌جا: دفتر نشر الكتاب، دوم.
 ۸. آقا‌جانی، آرش، (۱۳۸۵ش)، «تبیین ویژگی‌های مدیران از دیدگاه حضرت علی‌اکبر در نهج‌البلاغه»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۴، صص: ۲۷ – ۶۰.

۹. جوهری، اسماعیل بن‌حمّاد، (۱۳۷۶ق)، الصحاح، تحقیق و تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم الملايين.

۱۰. خسروینا، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران، (۱۳۹۶ش)، منظمه فکری آیة‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چهارم.

۱۱. خمینی، روح‌الله، (بی‌تا)، صحیفة انقلاب، بی‌جا: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی – سازمان چاپ و انتشارات، سوم.

۱۲. دلشداد تهرانی، مصطفی، محمد‌هادی امین‌ناجی و سید معصوم باقرپور، (۱۳۹۵ش)، «مبانی و اصول عزل و نصب کارگزاران با رویکرد اندیشه سیاسی امام علی‌اکبر در نهج‌البلاغه»، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۷ – ۱۵۰.

۱۳. سیدعلوی، ابراهیم، (۱۳۷۹ش)، عدل‌الهی و عدالت بشری در نهج‌البلاغه، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

۱۴. شرف‌الدین، حسین، (۱۳۹۶ش)، ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۵. شمیم، علی اصغر، (۱۳۷۹ش)، فرهنگ شمیم، تهران: مؤسسه انتشارات مدرس، سوم:

۱۶. عابدی جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیه‌ی و محمد شیخزاده، (۱۳۹۰ش)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۲، ۱۹۸ - ۱۵۱.

۱۷. فتنال نیشاپوری، محمد بن علی، (۱۳۷۵ش)، روضة الوعظین و بصیرة المتعظین، قم: انتشارات رضی.

۱۸. کمالی، یحیی، (۱۳۹۷ش)، «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، سال ۴، شماره ۲، ۱۸۹ - ۲۰۸.

۱۹. مطهری، مرتضی، (بی‌تا)، سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا.

۲۰. ———، (۱۳۸۸ش)، ده گفتار، تهران: صدرا.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیر المؤمنین، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۲. موسوی، عباس، (۱۳۷۶)، شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالرسول الکرم - دارالمحجة البیضاء.

